

بیانیه جبهه فعالان اقتصاد مردمی

پاییز ۱۴۰۲

بسم الله الرحمن الرحیم

شناسه

بیانیه جبهه فعالان اقتصاد مردمی

پاییز ۱۴۰۲

مولف: حجت الاسلام دکتر حمزه معلی

طراح جلد: پیام معین

صفحه آرا: پیام معین

شمارگان:

قیمت: ۳۰ هزار تومان

اینستاگرام: MAEM_IR

ایتا: MAEM_IR

۱

مقدمه

در این اثر مبانی، باورها و ارزش‌هایی که جبهه فعالان اقتصاد مردمی بر اساس آن شکل گرفته، بیان شده است.
«با اراده، سرمایه و حضور مردم، با همدیگر برای تولید و پیشرفت اقتصاد کشور مجاهدانه تلاش کنیم»
جبهه فعالان اقتصاد مردمی تشکلی غیر دولتی است که برای ترویج و حمایت از اقتصاد مردمی فعالیت می‌کند.
این جبهه از تولیدکنندگانی تشکیل شده که بر اساس بیانیه ارزش جبهه، به تولید مشغول هستند.
محور اصلی این بیانیه برادری و تعاون بین اعضا است.
بیانیه سندی است که مبانی، باورها و ارزش‌هایی که جبهه فعالان اقتصاد مردمی بر اساس آن تشکیل شده و به فعالیت می‌پردازد را تعریف و تشریح می‌کند. این بیانیه یک سند رسمی و قابل دریافت برای همه اعضای جبهه است و همچون نقشه ای راهنما، مسیر سفر اعضا به سوی اهداف جبهه را نمایان می‌کند. تصمیم گیری و رفتار بر اساس بیانیه ارزش به اعضا کمک می‌کند تا هویت خود را ایجاد و حفظ کنند.

بخش اول

مشکل اقتصاد متعارف و نتایج ادامه روند فعلی

علم اقتصادی که در جامعه امروز شناخته و تدریس می‌شود، توانایی لازم برای تامین عدالت و ارزش‌های اخلاقی جامعه را ندارد و این مهمترین چالشی خواهد بود که با آن روبرو است. نقص‌ها و محدودیت‌های این اقتصاد، تأثیرات منفی بر توزیع منابع و ارزش‌های اخلاقی در جامعه داشته است. بنابراین میوه این اقتصاد در کشور فقر، فساد و تبعیض بوده است.

اقتصاد متعارف، مانند آینه‌ای عمل می‌کند که با نشان دادن تصویری سطحی و بی‌روح از جامعه، صرفا رفتارهای اقتصادی را می‌بیند و آن را از سایر جنبه های نظام اجتماعی جدا دانسته و فاقد مبانی ارزشی می‌پندارد. دنیای تک بعدی که اقتصاد متعارف برای خود ساخته، مانند آشپزی است که برای طبخ غذا فقط چاشنی نمک را انتخاب کرده. آشپز از این نکته غفلت کرده که ترکیب چاشنی‌های مختلف است که طعم و رنگ غذا را مطبوع و متعادل خواهد کرد.

اقتصاد متعارف، علم اقتصاد را در کنار سایر علوم فیزیکی قرار داده و تلاش می‌کند صرفا با روش‌های ریاضی به تحلیل مسائل اقتصادی و طراحی سیاست‌های اقتصادی بپردازد و شواهد تجربی را پایه و اساس تحلیل قرار دهد.



نتیجه نگرش کاملاً مکانیکی وریاضی به مسائل آن است که اصول و ارزش‌های الهی برای رسیدن به نقطه مطلوب اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود و ارتباطات پیچیده بین بُعدهای اقتصادی و غیراقتصادی در ساختارهای اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. در نتیجه جامعه با مشکلاتی روبرو خواهد شد و هماهنگی لازم بین نظام اقتصادی با سایر نظام‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوجود نخواهد آمد.

چشم پوشی و استفاده نکردن از نور ارزش‌های الهی سبب شده تا اقتصاد متعارف مسیر خود را در دل تاریکی‌های دنیا گم کند، و سودجویی را محور اصلی نظام اقتصادی، روش‌ها و ابزارهای اقتصادی قرار داده و با رویکرد ریاضی و تک بعدی به تنظیم امور اقتصادی جامعه بپردازد. سودجویی و سرمایه‌سالاری نتیجه منطق رقابت در اقتصاد متعارف است. در سخنان طرفداران این نظام، رقابت برای دستیابی به سود بیشتر به عنوان محرک اصلی رشد، تولید و رونق فعالیت‌های اقتصادی، مورد تاکید قرار گرفته و تحسین شده است. با گسترش این اصل در جوامع، مهمترین مسأله در اقتصاد آنها چگونگی رفع تضاد میان منافع و سودجویی‌های فردی و منافع عمومی و عدالت اجتماعی است. صاحب‌نظران اقتصاد متعارف برای رفع این چالش، اصل آزادی مطلق اقتصادی را مطرح کردند به گونه‌ای که خود به خود و با پیگیری نفع‌های شخصی، نفع عموم جامعه نیز تضمین خواهد شد.

گذشت زمان باطل بودن این نظر را اثبات کرد به طوری که امروزه جوامع سرمایه‌داری، دخالت دولت در امور اقتصادی را جهت تأمین منافع اجتماعی پذیرفته‌اند.

وقتی اقتصاد متعارف در تنظیم امور اقتصادی ارزش‌های الهی را مد نظر قرار نمی‌دهد، نمی‌تواند برای جامعه اسلامی نسخه شفابخش بپیچد. زیرا در این نسخه، نه در ابتدا عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی در نظر گرفته شده ؛ و نه در ادامه می‌تواند تاثیر سیاست‌های اقتصادی را بر ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بررسی کند و برعکس.

چنین علم اقتصادی مانند چرخی که در چاله های جاده مدام گیر افتاده باشد نمی‌تواند پاسخ‌های شایسته به پرسش‌های اساسی جامعه دهد. تحلیل صحیحی از علت فقر ملت‌ها ارائه نمی‌دهد. مدلی برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی واقعی ندارد. مسیری برای مبارزه با ریشه‌های حقیقی بیکاری و تورم پیش روی جامعه قرار نمی‌دهد. سیستم پولی و مالی مناسبی برای پرکردن شکاف نابرابری بین ثروتمندان و فقرا ندارد و درنهایت مسیر تحقق رشد و توسعه اقتصادی مطلوب را نمی‌شناسد.

نخستین گام اساسی برای شناخت و تحقق اقتصاد اسلامی این است که ارزش‌های اسلامی را در تقاطع بین سیاست‌های اقتصادی با حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متجلی کنیم.

تاکید رهبری معظم در ضرورت پیوست عدالت و پیوست فرهنگی برای هر سیاست اقتصادی نمونه بارزی از حرکت به سمت اقتصادی است که آن را اقتصاد اسلامی می نامیم که همان اقتصاد واقعی است.*

*سخنرانی در دیدار با اعضای هیأت دولت، ۱۴۰۰۰۶۱۳
دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹ آذر ۱۳۹۲

بخش دوم

مبنای تشکیل جبهه فعالان اقتصاد مردمی و ویژگی‌های تمایزدهنده

آنچه از منابع اصیل اسلامی و شیوه حکومت‌داری صدر اسلام در مدینه النبی برداشت می‌شود، همان رمز پیروزی و شاه کلید گشایش‌ها در ابعاد مختلف اجتماعی و سیاسی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران بوده است. این اصل در بیان رهبری معظم انقلاب، به **مردم‌سالاری دینی** تعبیر شده است.

اساسا تصویر نزاع در اقتصاد به شکل دوگانه دخالت دولت و یا پذیرفتن بازار آزاد رقابتی غلط است. تصویری که از هرکدام از اطراف آن، چه با لغو مالکیت خصوصی و واگذاری آن به دولت‌ها و چه با سپردن محض امور به بخش خاصی از جامعه به اسم بخش خصوصی، سبب سودجویی بخشی از جامعه و از بین رفتن مالکیت، عاملیت و مدیریت آحاد مردم شده است. در مقابل، **اصل بنیادینی که در اسلام همواره مورد تاکید قرار داشته «مردمی‌سازی» است.** اصل مردمی‌سازی برپایه اخوت و مسئولیت بنا شده است. به گونه‌ای که پایه‌های همه نظام‌های اجتماعی اسلام از جمله نظام اقتصادی، برپایه مردم شکل گرفته است.

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز مانند درخت تناوری که از دانه‌ای می‌روید و رشد و نمو پیدا می‌کند، برپایه همین اصل شکل گرفت و بعدها در اندیشه حضرت امام خمینی ره با شکل‌گیری نهادهایی مانند جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی رشد پیدا کرد.



رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر اصل مردم‌سالاری دینی تاکید کردند و نظریه اقتصاد مقاومتی را بر محور مردم قرار دادند. از این زاویه تفاوت اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، حضور حداکثری مردم در میدان اقتصاد از طریق تکیه بر اراده، سرمایه و حضور توده‌های مردم است.

مردمی‌سازی به معنای وانهادن دولت نیست. بلکه در این اقتصاد دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت سازی، هدایت و کمک دارد. جبهه فعالان اقتصاد مردمی به دنبال انجام فعالیت اقتصادی با استفاده از الگوی اقتصاد مردمی است. این الگو برآمده از اقتصاد مقاومتی و نظام ارزشی اسلام است.

محور ارزش‌ها و مرام اسلام برای مردمی‌سازی در عرصه اقتصاد ایجاد رشته و پیوند برادری است. **برادری بر اساس محبت میان مومنین و همانند نخ تسبیحی است که به وسیله آن همه مسلمان‌ها با هم پیوند می‌خورند.** بدون برادری حرکت و جنبش یک مهره به حرکت و جنبش دیگری منجر نخواهد شد. از همین رو بود که پیامبر اکرم ﷺ نیز قبل از تشکیل حکومت ابتدا رشته محکم برادری را میان جمع کثیر مسلمانان ایجاد کردند. با استناد به برخی روایات، برادری در جامعه سبب انس میان مردم بر پایه وفاق و یک رویی است.

سبب کمال و رفع نقص‌های یکدیگر بر پایه اتحاد و یکپارچگی است. سبب عزت مردم بر پایه تواضع و فروتنی است. و در نهایت سبب تعاون و کمک مردم به یکدیگر بر پایه فتوت و جوانمردی است.

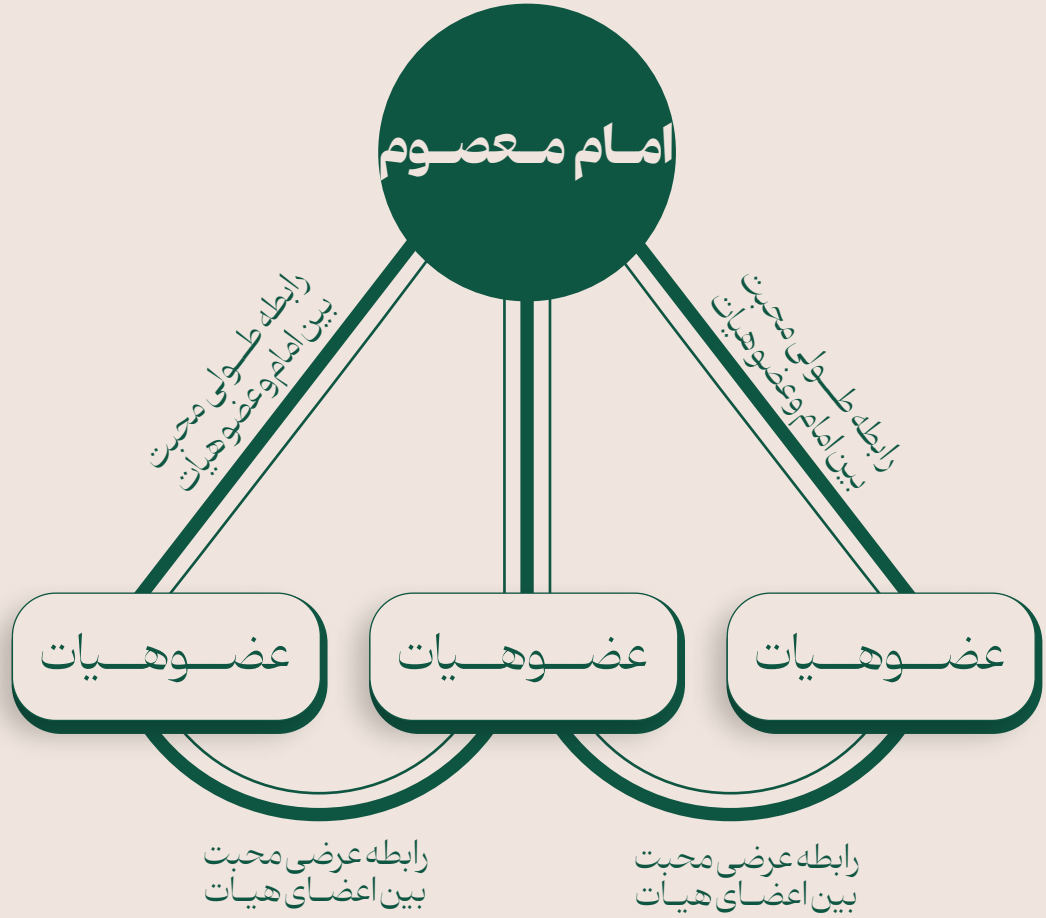
«برادری میوه محبت است و با خود مسئولیت می‌آورد.»

محور و کانون همه محبتها، حب و مهرورزی به حضرت حق است و سایر محبتها باید بر محور این کانون بگردند. در طول محبت الهی، محبت به پیامبر ﷺ و اهل بیت مطهرش قرار دارد که مورد تایید و تاکید حضرت حق است.

از جمله آثار اجتماع مؤمنین بر محور محبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، ایجاد انس و الفت در میان مؤمنین است که از آن به اخوت خاص تعبیر می‌کنیم. در یک تقسیم‌بندی کلی محبت ورزیدن بین افراد بر دو گونه است:

صورت اول در جایی است که یک یا چند نفر، فرد یا افرادی را دوست داشته باشند (محبت نسبت به اهل بیت).
صورت دوم در جایی که دو یا چند نفر به واسطه شدت علاقه به فردی با هم مأنوس شوند و بین آنها رابطه محبتی بوجود می‌آید (محبت میان محبین اهل بیت).

مطابق صورت اول می‌توان گفت مصداق کامل این نوع محبت در بستر هیأت و میان محبین اهل بیت علیهم‌السلام قابل مشاهده است. این محبت در هیأت بین فرد هیأتی و اهل بیت علیهم‌السلام دو طرفه است. به این معنا که از طرف فرد هیأتی سبب عشق و ارادت به ساحت اهل بیت علیهم‌السلام خواهد شد و از طرف اهل بیت علیهم‌السلام سبب فیض و برکت برای فرد هیأتی خواهند بود.



صورت دوم محبت بین اعضای هیأت اســـت. این محبت که بواسطه وجود عشق و ارادت مشترک بین اعضای هیأت نســـبت به اهل بیت علیهم‌السلام شکل گرفته، سبب ایجاد حس اخوت، مسئولیت، محبت و همیاری نسبت به یکدیگر می‌شود.

اهل بیت علیهم‌السلام به دوستی با دوستدارانشان تاکید کرده‌اند. امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید: هرکه دوستدار ما را دوست بدارد، هرآینه ما را دوست داشته است.

دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام در این ویژگی مشترک هستند که محبت آنان به اهل بیت علیهم‌السلام از این جهت است که دوستی آنها دوستی حق و حقیقت است و اهل بیت علیهم‌السلام را محور حق و رهبران راه حق می‌دانند. این دوستی و محبت سبب ایجاد علقه عمیق میان محبین اهل بیت علیهم السلام می‌شود. دوستی آنان پایدار و دارای آثاری است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ مهربانی و پیوستن به یکدیگر، یاری کردن و مواسات در حق دوستان اهل بیت علیهم‌السلام و رحم کردن و ایثار نسبت به یکدیگر. در حقیقت رشته محبت میان محبان آل‌الله چنان پیوند وثیقی را در میان آنها ایجاد می‌کند که ضعف‌های یکدیگر را می‌پوشانند و در مقابل مشکلات اجتماعی به هم‌افزایی قابل توجهی دست می‌یابند. همه این آثار به جهت مسئولیتی است که برادری، بر عهده افراد قرار داده است. کمکی که برادر مومن در حق برادر مومن انجام می‌دهد لطف نیست بلکه آن را وظیفه و مسئولیت خود می‌داند.

در اقتصادی که بر اساس اصل برادری شکل بگیرد، افراد بیشتر تولید می‌کنند و متعادل مصرف می‌کنند و دنیازده نیستند. در این اقتصاد، تولید کار برای بیکاران و کمک به فقرا یک ارزش است. هر تولید کننده‌ای ملتزم است تا دست برادر خود را بگیرد، وارد عرصه تولید کند و کمک کند تا او نیز رشد کند. حال بعد از بیان نقد اقتصاد متعارف و نتایج ادامه روند فعلی، همچنین مبنای تشکیل جبهه فعالان اقتصادی، در ادامه باورها و ارزش‌های جایگزین و پیشنهادی که جبهه فعالان اقتصادی بر پایه آن فعالیت می‌کنند خواهد آمد.

بخش سوم

باورهای جبهه فعالان اقتصاد مردمی

در این بخش باورهای جبهه فعالان اقتصاد مردمی بیان خواهد شد. این باورها پایه‌های فکری و اصولی هستند که ارزش‌های جبهه روی آنها ساخته شده است. شناخت آنها به تعمیق و درک بهتر ارزش‌ها کمک خواهند کرد.



تربیت توحیدی

هدف از بعثت انبیا تربیت انسان‌ها بوده است. چنانچه فرآیند تربیت افراد با نگرش توحیدی انجام شود، تربیت توحیدی صورت خواهد پذیرفت. این فرایند به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او انجام خواهد شد. به صورت کلی تربیت توحیدی از طریق اصلاح انگیزه‌های درونی انسان اقتصادی و در نتیجه رفتارهای اجتماعی، اثر مستقیم بر پیشرفت اقتصادی دارد.

تربیت توحیدی باعث افزایش ایمان و تقوا در جامعه می‌گردد. افزایش ایمان و تقوا سبب افزایش روحیه جهادی خواهد شد. روحیه جهادی انگیزه‌های فردی، بهره‌وری و کارآیی را ارتقا خواهد داد. نتیجه این ارتقا، کار و حرکت جهادی در سطح جامعه خواهد شد؛ که نتیجه آن نیز پیشرفت اقتصادی خواهد بود.

آثار تربیت توحیدی بر پیشرفت اقتصادی را می‌توان از دو جنبه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرارداد.

از نگاه فردی تربیت توحیدی سبب پرورش انسان‌هایی موحد و مومن خواهد شد که از سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و دارایی پول استفاده صحیح و دقیق و کارآ خواهند کرد.

همچنین از نگاه اجتماعی تربیت توحیدی سبب شکل‌گیری جامعه معنوی خواهد شد که رکود، توقف و ایستایی و عدم استفاده از امکانات و همچنین ساختارها و نهادهای ناکارآمد را برنمی تابد. آثار تربیت توحیدی در پیشرفت اقتصادی در ادامه خواهد آمد.

۱. افزایش بهره‌وری نیروی انسانی

نیروی انسانی تربیت یافته در مکتب توحیدی و موجود در جامعه معنوی، نسبت به جامعه سکولار، اعم از متخصص و ساده، به سبب اعتقاد به مبدأ و معاد و تربیت توحیدی، خداوند را ناظر بر رفتارهای خود می‌داند و از ترس عذاب روز قیامت، تمام امکانات در دسترس را امانت دانسته، مسئولیت پذیر است، از وجدان کاری بالایی برخوردار و برحسب درجه اعتقاد و تربیت، از بهره‌وری بالاتری برخوردار خواهد بود. بنابراین، در بخش تولید، هرقدر نیروی انسانی درجه بالاتری از ایمان و تقوا داشته باشد در استفاده بهینه از ابزار تولید، جلوگیری از اتلاف و اسراف منابع، عدم اضرار به غیر، و به‌کارگیری از امکانات واحد تولیدی بیشتر می‌کوشد و درنتیجه موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش بازدهی واحدهای تولیدی و در نهایت رشد اقتصادی خواهد شد.

۲.گسترش فرهنگ جهـــــادی

معنویـــت از طریق اصلاح رفتارها که در اصطـــلاح قرآنی به آن «استغفار» و «توبه» از رفتارهای نادرست گفته می‌شود، موجب ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی در جامعه می‌گردد. قرآن استغفار و توبه را که نتیجه آن اصلاح رفتارها و بازگشت به مسیر پیشرفت است، عامل مدد رسانی از طرف خداوند به بشر معرفی کرده، می فرماید:

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»

(نوح،۱۰-۱۲)

و در جای دیگر « وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ » (هود، ۵۲) را آورده است. «افزودن توان بر توان انسان» همان چیزی است که از آن به ارتقای بهره‌وری تعبیر می‌شود؛ چنان که برخی از مفسران نیز می‌نویسند: بلکه نیروی جســـمانی شـــما را با بهره گیری از نیروی معنوی افزایش می‌دهد و با این پشـــتوانه مهم قـــادر خواهید بود اجتماعی آباد، جمعیتی انبوه، اقتصادی سالم، و ملتی پرقدرت و آزاد و مستقل داشته باشید.

حرکت جهادی، فعالیتی است که متناسب و برآمده از فرهنگ جهاد باشد. این فرهنگ مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات و آداب و رسوم رایج است و هم نظم دهنده حرکت جمعي يـــک ملت در جهتي خاص است. به عبارت دیگر نمایانگر مظاهر زندگي و حیات یک ملت به شـــکلي خاص است. از سوی دیگر ارزشـــي متعالي و اسلامي مانند جهاد را در جامعه به فعلیت مي رساند. به بیان دیگر «فرهنگ جهادی» یعنی اینکه روحیه ایثار، تلاش مضاعف، مبارزه و مقاومت در مقابل دشمن در همه عرصه ها در یک ملت تبدیل به فرهنگ رایج شده و مورد اقبال عمومی قرار گیرد. برای دستیابی به فرهنگ جهادی در سطح جامعه لازم است تا شاخص‌های این فرهنگ احیا شود. شـــاخص‌های فرهنگ جهادی عبارتند از اخلاص، تکلیف مداری، اطاعت از رهبری، بصیرت، عمل به‌هنگام و استقامت.



از آیات و روایات استنباط می‌شود که جهاد اقسامی دارد و یکی از با فضیلت ترین آنها کار و تلاش اقتصادی برای کسب حلال است. شاید به این سبب باشد که لقمه حلال گلوگاه تربیت توحیدی و تربیت توحیدی منشأ جهاد فی سبیل الله است. در نتیجه، حتی مجاهدت نظامی و گذشتن از جان و مال نیز متوقف بر کسب لقمه حلال است.

در گفتمان قرآنی و روایی، جهاد فی سبیل الله علاوه بر انعکاس تقدس و جلوه گری اهمیت کار و کوشش که در لفظ «جهد» نیز نهفته، بیانگر قداست خاص، دارای جنبه حماسی و عبادی بودن نیز هست.
اگرچه صرف شکل گیری ایمان و تقوا در جوهره وجود انسان منشأ ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود، ولی تعمیق ایمان و تقوا حالتی حماسی پدید می‌آورد که نتیجه آن را واژه «بهره‌وری» برنمی‌تابد.

از این رو، از آن به «حرکت جهادی» تعبیر می‌شود. حرکت جهادی برگرفته از اندیشه ناب اسلامی و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها از هدر رفتن منابع و وارد شدن خسارت به امکانات جامعه و محیط زیست جلوگیری می‌کند، بلکه این ظرفیت را دارد که همه اهداف میانی اقتصاد کلان را همزمان محقق ساخته، رشد و پیشرفت اقتصادی را تسریع بخشد. چنین فرهنگی عامل و ترغیب کننده حداکثر فعالیت اقتصادی، مصرف به جا و در حد کفاف وحتی مشارکت مردمی داوطلبانه در تولید و تأمین نیازهای جامعه به عنوان واجبات نظامیه (ضرورت جامعه) و بهبود بازتوزیع منابع در قالب کاروان‌های جهادی و مواسات است.
چنین فرهنگی منابع و امکانات را بسیج می‌کند و منشأ تخصیص بهینه منابع و تسریع همزمان ارتقای سطح معنویت، رشد اقتصادی و عدالت می‌شود. بنابراین ایجاد فرهنگ جهادی و در نتیجه حرکت‌های جهادی از طریق ارتقای همزمان سطح معنویت، رشد اقتصاد و عدالت می‌تواند بر پیشرفت اقتصادی اثرگذار باشد.

۳.افزایش بهـره‌وری سرمایه‌های فیزیکی

فعال اقتصادی مؤمن و پرهیزگار نعمت‌های الهی، از جمله سرمایه را موهبت الهی و امانت در دســـت انسان می‌داند. او در استفاده صحیح، دقیق و کار از سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و دارایی پولی سرآمد است.

خلیفه خداوند بودن و جانشینی عام برای همه انسان‌ها انعکاسی از مالکیت حقیقی خداوند است؛ به این معنا که انسان در مالکیت و تصرفات خود اســـتقلالی ندارد، بلکه امانتدار و جانشین خداوند است. رســـم امانت داری و جانشینی این است که نسبت به بهره برداری از کالاها و رعایت حقوق مالک الملوک بکوشد و بر اساس اوامر الهی فعالیت‌های خود را سامان دهد.

فعال اقتصادی معتقد به معاد، معتقد به حیات ابدی است و دنیا را مزرعه آخرت می‌داند. او معتقد اســـت: هر فردی که موهبت‌های الهی و از جمله عمرش را در غیر آنچـــه باید صرف کند، بگذراند، سزاوار حسرت طولانی در روز قیامت است. بدین روی، باید در اوج بهره‌وری از نعمت‌های الهی باشد تا زیان نبیند.

فعال اقتصادی شاخص‌های انسان جهادی مانند اخلاص، تکلیف مـــداری، اطاعت از رهبری، بصیرت، عمل به‌هنگام و استقامت را به صورت مستمر از طریق مبانی و محتوای دینی دریافت میکنند. به طـــوری که این فرهنگ تبدیل به یک گفتمان عمومی در بین فعالان اقتصادی می‌گردد. همچنین برگزاری برنامه هایـــی مانند اردوهـــای جهادی و مواسات، ارائه خدمات به نیازمندان، تشکیل خیریه و صندوق قرض‌الحسنه و غیره سبب نهادینه سازی گفتمان و فرهنگ جهادی در رفتار آنها و در نتیجه گسترش این فرهنگ در سطح جامعه خواهد شد.

۴. قوام و توازن در مخارج

خداوند متعال منابع طبیعی و امکانات دنیا را مسخر انسان قرارداد و غایت این توانمندی را شکر نعمت بیان کرده است (نحل، ۱۴). شکرگزاری اظهار نعمت با اعتقاد، گفتار و رفتار است و اظهار نعمت در رفتار را استفاده درست از نعمت و به‌کارگیری بهینه عوامل معنا کرده اند «وضع النعمه فی موضعه». شکر نعمت و استفاده درست از نعمت‌های الهی به طور قطع مرادف با افزوده شدن نعمت است؛ همچنان که ناسپاسی عذاب شدیدی به دنبال دارد. (ابراهیم، ۷) بنابراین به‌کارگیری سرمایه‌ها و عوامل تولید به‌گونه‌ای کارا به دور از اسراف در تمام فرآیند تولید نوعی استفاده شاکرانه است که در نهایت، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه‌های فیزیکی را به دنبال دارد و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی می‌گردد.

خداوند متعال منابع طبیعی و امکانات دنیا را مسخر انسان قرارداد و غایت این توانمندی را شکر نعمت بیان کرده است (نحل، ۱۴). شکرگزاری اظهار نعمت با اعتقاد، گفتار و رفتار است و اظهار نعمت در رفتار را استفاده درست از نعمت و به‌کارگیری بهینه عوامل معنا کرده اند «وضع النعمه فی موضعه». شکر نعمت و استفاده درست از نعمت‌های الهی به طور قطع مرادف با افزوده شدن نعمت است؛ همچنان که ناسپاسی عذاب شدیدی به دنبال دارد. (ابراهیم، ۷) بنابراین به‌کارگیری سرمایه‌ها و عوامل تولید به‌گونه‌ای کارا به دور از اسراف در تمام فرآیند تولید نوعی استفاده شاکرانه است که در نهایت، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه‌های فیزیکی را به دنبال دارد و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی می‌گردد.

چارچوب‌ها و الزامات شرع منابع و امکانات را منحصرا در سه مسیر «مصرف خانواده در حد ضرورت»، «سرمایه‌گذاری برای تامین واجبات نظامیه (ضرورت جامعه)» و «تکافل اجتماعی با اولویت توانمندسازی محرومان» قرار می‌دهد. معنویت موجب می شود همزمان امکانات در این سه مسیر الزامی قرار گیرد. به عبارت دیگر، معنویت نگرش قوام به مال را در آحاد جامعه پدید می‌آورد. قوام در به کارگیری منابع اقتضا دارد منابع و موهبت‌های الهی معطل نماند و به صورت الزامی در سه ضرورت نفقه عیال «مخارج ضروری خانواده»، واجبات نظامیه «سرمایه‌گذاری در ضرورت‌های جامعه» و تکافل اجتماعی «مصارف ضروری فقرا» به کار گرفته شود.

معنویت در ناحیه مخارج از چند مسیر موجب ارتقای سطح تولید و در نتیجه پیشرفت اقتصادی جامعه می‌گردد. معنویت موجب می‌شود سطح زیر منحنی تقاضای کالای ضروری در بازار اسلامی نسبت به سایر بازارها، از جمله بازار رقابت کامل بیشتر شود و در نتیجه افزایش تقاضا و از طریق عامل قیمت، عرضه بیشتر مطالبه گردد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه) چون واجب کفایی است، سبب ارتقای سطح تولید کالای ضروری می‌شود و سرانجام، با توانمندسازی محرومان، اقشار محروم جامعه نیز به جمع تولید کنندگان می‌پیوندند، تعداد واحدهای تولیدی افزایش می‌یابد و در نتیجه عرضه کل افزون می‌گردد. بنابراین، معنویت در هر سه مسیر برای ارتقای تولید و پیشرفت اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کند.

به عبارت دیگر، از جمله عوامل موثر بر تقاضای بازار، تعداد افراد تقاضا کننده آن کالا است. معنویت موجب ارتقای روحیه تکافل اجتماعی می‌شود. تکافل اجتماعی از یک سو، و مسئولیت دولت در قبال محرومان از سوی دیگر موجب می‌شود همه افراد جامعه نسبت به خرید کالای ضروری (کالاهای ضروری عموم مردم جامعه) قدرت خرید پیدا کنند و به جمع تقاضا کنندگان بپیوندند. در نتیجه سطح زیر منحنی تقاضای بازار نسبت به سایر بازارها از جمله رقابت کامل بیشتر شود؛ یعنی در مجموع، رفاه جامعه بالاتر رود و توزیع عادلانه‌تر گردد.

۵. افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

پیش از این بیان شد که چارچوب و الزامات شرع منابع و امکانات را منحصرا در سه مسیر قرار می‌دهد: مصرف خانواده در حد ضرورت، سرمایه گذاری برای تامین واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه) و تکافل اجتماعی با اولویت توانمندسازی محرومان. معنویت موجب می‌شود همزمان امکانات در این سه مسیر الزامی قرار گیرد. در این الگو، هرقدر درآمد افزایش یابد، پس انداز، سرمایه‌گذاری و تلاش برای برآوردن نیازهای جامعه و امت اسلامی، پابه پای وظایف دیگر (نفقه واجب، تکافل اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ کیان اسلام) حرکت می‌کند. سرمایه‌گذاری مداوم بسان یکی از واجبات نظامیه، رشد اقتصادی مداوم را به دنبال دارد. همچنان که توانمندسازی محرومان در کنار رشد ادامه می‌یابد و به ملحق شدن محرومان به فعالان اقتصادی و تصاعدی شدن رشد می‌انجامد.

اصول ایجابی رفتار مصرفی در جامعه معنوی (یعنی عبادت بودن تلاش برای افزایش رفاه خانواده و جامعه)، جامع نگری نسبت به همه نیازهای کنونی و آینده خود و دیگران، تدبیر و برنامه ریزی، رعایت حد کفاف در معاش، نگاه به پایین دست در سطح معیشت **«النظر الی الادنی معیشه»**، کم خرج و پرخیر بودن **«قلیل المونه وکثیر المعونه بودن»**، و انجام واجبات مالی و اصول سلبی مانند حرمت اسراف، اتلاف و اتراف مال موجب می‌شود درآمدها به گونه‌ای در موقع قوام به کار گرفته شود و از مصارف اسراف گونه پرهیز گردد. در نتیجه، پس انداز و منابع مالی سرمایه‌گذاری افزایش یابد.





۶. توانمندسازی فقرا و محرومان

تربیت توحیدی و معنویت موجب نهادینه شدن الگوی تکافل اجتماعی در جامعه می‌شود. در الگوی تکافل اجتماعی و توزیع درآمد از منظر اسلام، معطل گذاشتن سرمایه (کنز) و نیروی کار، اسراف تلقی می‌شود و حرام است. افراد نسبت به یکدیگر مسئول و نسبت به تامین نیازهای ضروری خانواده‌های زیر حد کفاف موظف اند. بر اساس سیره نبی مکرم، بهترین نوع انفاق، توانمندسازی است که به موجب آن، خانواده هایی با درآمد کمتر از حد کفاف، از طریق فعالیت اقتصادی و کار، به چرخه خانواده‌های فعال اقتصادی می‌پیوندند و مازاد درآمد خود را سرمایه‌گذاری یا انفاق می‌کنند. از سوی دیگر، درآمد حاصل از سرمایه گذاری مجدد، چرخه مصرف، سرمایه‌گذاری و تکافل اجتماعی را ارتقا می بخشد و از این طریق ، رشد اقتصادی و دانش فنی افزایش و در نتیجه، درآمد ملی ارتقا پیدا می‌کند. به دنبال رشد اقتصادی، سطح کفاف جامعه به شکل پویا ارتقا می یابد؛ همچنان که درون این فرایند، یک هم افزایی میان معنویت، عدالت و رشد اقتصادی برقرار خواهد شد.

به عبارت دیگر، تربیت توحیدی موجب می‌شود هر قدر درآمد افزایش پیدا کند، توانمند سازی محرومان از نظر کمی و کیفی ارتقا یابد و ملحق شدن محرومان به فعالان اقتصادی به تصاعدی شدن رشد بیانجامد.



۷. اصلاح نهادهای اجتماعی

رسیدن به هدف والای عدالت که هدف میانی به شمار می‌آید، مستلزم آن است که در جامعه پیشرفته اسلامی، نهادها به گونه‌ای تنظیم شود که آحاد مردم در دسترسی به امکانات اولیه و فرصت‌ها، حق برابر داشته باشند، توزیع درآمد میان عوامل تولید از طریق نهاد بازار مبتنی بر حقوق اسلامی (مانند نفی ربا، نفی احتکار، و نفی فریب و غرر) صورت پذیرد و در نتیجه همه افراد و گروه‌ها از امکانات رفاهی در قلمرو حد کفاف برخوردار شوند. در چنین جامعه‌ای شکاف طبقاتی به معنای وجود طبقه اکثریت فقیر در کنار اقلیت مرفه وجود نخواهد داشت.

جامعه‌ای که به معنویت دست یافته باشد، افزون بر تغییر رفتارها، نمادهای بیرونی و نوع چینش نهادها را نیز متاثر می‌سازد. در جامعه معنوی با تربیت توحیدی انتظار این است که نهادها به گونه‌ای تنظیم گردند که هیچ حقی از کسی ضایع نگردد. در این جامعه، رسیدن به رشد و پیشرفت اقتصادی مستلزم داشتن دولت شایسته، قوانین و مقررات شفاف و کارا، بازار سالم و همچنین نهادهای خیریه مکمل است.



۸. ایجاد بازار سالم

در یک جامعه توحیدی به سبب وجود ضوابط و مقررات دقیق و برگرفته از منبع وحی، نهادها از جمله بازار، به گونه ای تنظیم شده است که پیشرفت اقتصادی از طریق شکوفایی استعدادهای فطری انسان و بروز توانمندی درونی او به عنوان حداقل مطلوب حاصل می‌گردد.

تربیت توحیدی از یک سو، موجب رعایت حقوق معاملات مانند حرمت ربا، حرمت احتکار، آزادی فعالیت‌های اقتصادی، احترام به قراردادها، احترام اموال مردم و حرمت کم فروشی از سوی دولت و مردم می‌شود و از سوی دیگر، رعایت ارزش‌های اخلاقی مانند انصاف، تعاون و همکاری، قناعت به سود کم و امثال اینها خواهد شد. اگر فعالان اقتصادی و دولت ارزش‌های اخلاقی را رعایت و حقوق را ادا کنند، معیشت‌شان به بهترین وجه ممکن محقق خواهد شد:

«لو ان الناس ادوا حقوقهم لکانوا عائشین بخیر».

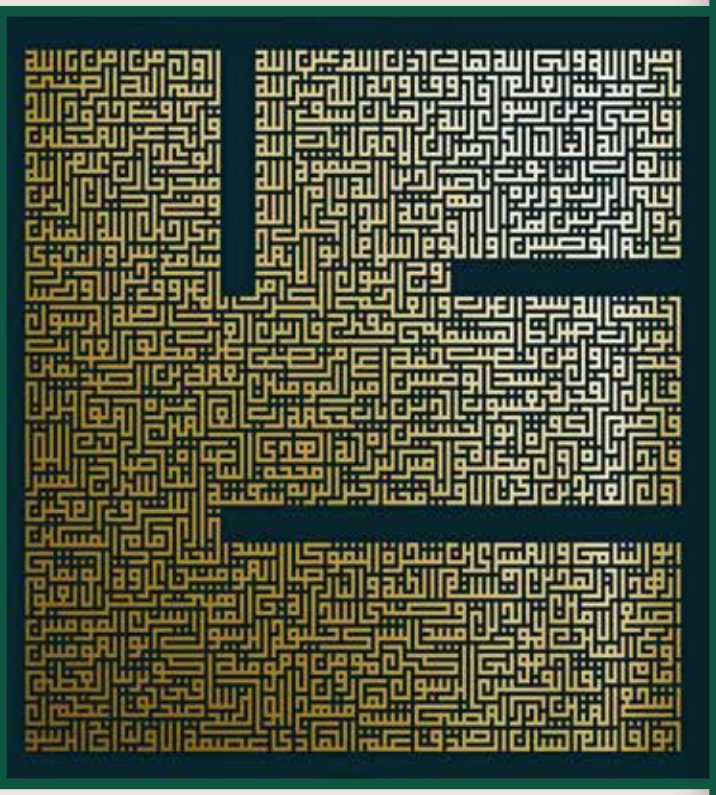
تربیت توحیدی با تسلط نظام ربوی در تضاد است. ربا نابودی تولید و انفاق نشأت گرفته از معنویت است و منشأ رشد خواهد شد. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره، ۲۷۶).

با حذف ربا از بازار، تمام ساختارها و تحلیل‌های کلان مبتنی بر اقتصاد ربوی اعتبار خود را از دست داده، بازارهای مالی و اوراق قرضه فرو می‌ریزد. با حذف نرخ بهره و جایگزینی نظام مشارکت، نه تنها مشکل اساسی در اقتصاد رخ نمی‌دهد، بلکه همه متغیرهای اساسی وضعیت بهتری پیدا خواهند کرد. حذف بهره موجب کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه کاهش قیمت‌ها خواهد شد. کاهش هزینه‌های تولید به سبب فقدان متغیرهای برون زایی به نام بهره و کاهش نااطمینانی، میزان سرمایه‌گذاری، امکان افزایش تولید و سرمایه‌گذاری را فراهم می‌آورد.

در پی افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری، زمینه اشتغال نهاده‌های تولید نیز فراهم می‌آید. بنابراین با افزایش سطح اشتغال و تولید، عرضه کل نیز افزایش یافته و به سمت راست منتقل می‌شود که نتیجه آن کاهش قیمت‌ها خواهد بود. علاوه بر این با حذف نرخ بهره از بازار پول، تقاضای سفته بازی به صفر میل می‌کند و در نتیجه تورم پولی نیز از بین می‌رود. با افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید و کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، تقاضای جامعه افزایش می‌یابد و در نتیجه مصارف سرانه افراد نسبت به مصرف سرانه نظام سرمایه‌داری افزایش خواهد یافت. همچنین به سبب تقویت روحیه تعاون و همیاری اختلاف طبقاتی نیز کاهش می‌یابد.

۹. ایجاد و یا گسترش نهادهای خیریه عام المنفعه

هر قدر یک جامعه در جهت هدف غایی، یعنی اعتلای معنوی بیشتر عمل کند، اموال بیشتری از طریق قرض‌الحسنه، انفاقات، زکات، وقف، صله رحم، عاریه، تعاون، تکافل، مواسات، ایثار، اخوت، احسان و مانند آن به افراد فاقد درآمد و یا کم درآمد منتقل می‌شود و وظایف دولت سبک‌تر و کارایی آن افزون‌تر می‌گردد. عملکرد این نهادها علاوه بر اینکه فعالیت‌های دو بخش دیگر اقتصاد یعنی خصوصی و دولتی را تکمیل می‌کند، چنانچه عملکرد آن به صورت عالمانه تبیین شود، انتظار می‌رود نقش بی بدیلی در دستیابی به اهداف پیشرفت اقتصادی ایفا کند.



پیشرفت جامعه نیز همچون تکامل فردی از اناالله شروع و به انا الیه راجعون ختم می‌شود. مسیر ترقی، تکامل و پیشرفت جامعه جز با پذیرش حکمرانی خداوند متعال و مالکیت حقیقی او نسبت به کل هستی محقق نمی‌شود. از نظر قرآن کریم برای جذب برکات آسمان و زمین و دریافت سهم دنیا و آخرت و روشن و شفاف شدن مسیر تکاملی زندگی، راهی جز ایمان به خدا تقوای الهی و عمل به فرامین رسول نیست.

عـــدالـــــت

استفاده عادلانه از منابع و توزیع عادلانه فرصت‌ها بین افراد جامعه سبب افزایش تولید کالا و خدمات و رشد اقتصادی و بهره‌مندی و بهبود شرایط زندگی در سطح جامعه خواهد شد. به عبارت دیگر هر اندازه که فعال اقتصادی بتواند نحوه و میزان بهره برداری از نعمت‌های طبیعی خلقت را به مبنای عدالت نزدیک کند، به همان میزان پیشرفت را درکنار عدالت قرار داده است. در غیر اینصورت و با بهره گیری غیر عادلانه از منابع و فرصت‌ها، شـــاهد افزایش بیکاری و فقر در سطح جامعه خواهیم بـــود و جامعه با عـــدم توانایی در ایجاد دسترسی همگانی به خدمات اساسی، با نارضایتی، ناامنی و اعتراضات اجتماعی روبرو خواهد شـــد و در نتیجه مسیر پیشرفت جامعه با مشکل مواجه خواهد شد.

حق برخورداری برابر از ثروت‌ها و امکانات اولیه عمومی

اجرای عدالت سبب می‌گردد تا هر یک از افراد جامعه حق برخورداری برابر از ثروت‌های عمومی و امکانات اولیه عمومی را داشته باشند. در توضیح جمله قبل باید گفت بنابر تعریف، عدالت‌باوری در جامعه سبب اعطای حق به صاحبان حق می‌گردد. این امر زمانی ممکن است که قوانین و مقررات توزیع مخالف قوانین منبعث از منبع وحیانی نباشد. طبق قوانین برگرفته از منبع وحیانی مالکیت ثروت‌های طبیعی، مانند کوه ها، زمین‌های موات، زمین‌های آباد طبیعی، جنگل ها، معادن و دریاها متعلق به ولی امر (دولت اسلامی) است و مباحات اولیه، مانند هیزم، بیابان، پرندگان، آبزیان و حیوانات بیابان و برخی معادن سطح مانند نمک و آب‌های جاری در طبیعت نیز به صورت مشترک متعلق به همه مسلمانان است. در حق بهره برداری از این مواهب صاحبان سرمایه و ماشین آلات هیچ امتیازی ندارند و حق بهره برداری به گونه‌ای قرار داده شده که نیروی کار به راحتی بتواند به برداشت حقوق خود از طبیعت اقدام نماید تا از بروز شکاف طبقاتی از محل توزیع امکانات عمومی جلوگیری شود:

«كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷)



اختصاص محصول تولید شده توسط هر فرد یا گروه به خودش

همچنین عدالت‌باوری سبب خواهد شد محصول تولید شده توسط هر فرد یا گروه به خود آن فرد یا گروه تعلق گیرد. عامل عمده تعیین‌کننده درآمد و توازن اجتماعی، تلاش صادقانه و مجدّانه افراد خواهد بود. افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد داشته باشند. در این حالت توزیع درآمد بین عوامل تولید (نیروی کار، مدیریت، دارایی مالی و سرمایه فیزیکی) به گونه‌ای است که به توزیع متعادل‌تری می‌انجامد؛ زیرا نیروی کار و مدیریت می‌توانند حقوق خود را هم به صورت مزد معین و هم به صورت سهمی از درآمد دریافت کنند، در حالی که صاحب سرمایه نقدی فقط درصورت مشارکت در تولید می‌تواند سهمی از درآمد را به دست آورد.

توازن نسبی ثروت و درآمد در سطح جامعه

همچنین اجرای عدالت سبب توازن نسبی ثروت و درآمد در سطح جامعه خواهد شد. مراعات عدالت و حقوق ضعفا و محرومان، باعث از بین رفتن فقر مطلق در جامعه خواهد شد؛ به‌طوری که کسی به‌خاطر عدم رفع نیازهای اساسی اقتصادی، آسیب نبیند. در این صورت رفاه همه جانبه و بلند مدت در جامعه بوجود خواهد آمد. در یک جامعه مطلوب توحیدی علاوه بر تدابیر ناظر بر توزیع اولیه ثروت‌های طبیعی و توزیع درآمد بین عوامل تولید، تدابیر ویژه‌ای به منظور حمایت از اقشار فاقد درآمد و یا کم درآمد اندیشیده شده است. مالیات هایی همچون زکات، خمس، زکات فطره، جزیه، خراج و همچنین توزیع مجدد داوطلبانه مردمی از طریق انفاقات، صدقات، اوقاف، هدایا، نذورات، وصیت، کفارات و قربانی از جمله همین تدابیر است. بر اساس آیات و روایات و تجربه صدر اسلام، جامعه مطلوب معنوی جامعه‌ای عاری از فقر است و تامین توازن اجتماعی و اقتصادی طبقه فقیر تا رسیدن به حد کفاف اجتماعی از وظایف دولت و مردم است. در اندیشه اسلامی پیشرفتی مورد تایید است که عادلانه باشد.

بنابراین عدالت‌باوری از طریق برخورداری برابر از ثروت‌ها و امکانات عمومی جامعه، اختصاص محصول تولید شده به فرد یا گروه تولید کننده و توازن نسبی ثروت و درآمد در سطح جامعه، سبب ایجاد کارایی در سطح کلان جامعه خواهد شد.. زیرا در چنین جامعه‌ای نیروی کار و سرمایه معطل وجود نخواهد داشت و به جهت توازن نسبی درآمد و ثروت و عدم فقر و محرومیت در جامعه، همه افراد امکان و فرصت تولید خواهند داشت.

بنابراین به تعداد نیروی کار فعال در کشور افزوده خواهد شد. عدالت‌باوری همچنین سبب ایجاد تکافل اجتماعی میان افراد جامعه می‌شود. گسترش تکافل اجتماعی سبب توانمندسازی همه افراد جامعه خواهد شد تا بتوانند وارد عرصه فعالیت اقتصادی و تولید شوند. در جامعه‌ای که عدالت برقرار نباشد، رابطه محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد. این کار سبب کاهش کارآیی و در نتیجه عدم پیشرفت خواهد شد. بنابراین عدالت سبب افزایش کارآیی در سطح کلان و در نتیجه افزایش تولید و مصرف کالاهای مجاز و افزایش درآمد سرانه و در نهایت پیشرفت اقتصادی خواهد شد.

صبر، بردباری و مقاومت

صبر از یک طرف سبب افزایش تحمل مشکلات برای فعالان اقتصادی و از طرف دیگر باعث حرکت و عمل برای غلبه بر مشکلات خواهد شد. چنین جامعه‌ای با تقویت روحیه جهادی، در برابر تحریم و فشار اقتصادی دشمن، مقاومت خواهد کرد و زنجیره وابستگی به دیگران را قطع و هویت و استقلال خود را حفظ خواهد کرد. وجود استقلال اقتصادی نیز از جمله عوامل ایجاد امنیت اقتصادی در برابر تهدیدهای خارجی است. امنیت اقتصادی نیز سبب افزایش سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش تولید و پیشرفت اقتصادی خواهد بود. بنابراین صبر و بردباری و مقاومت می‌تواند از طریق ایجاد استقلال اقتصادی و افزایش امنیت اقتصادی به پیشرفت اقتصادی کمک کند. امنیت اقتصادی به معنای وجود ثبات و اطمینان و عدم خطر نسبت به فعالیت‌های اقتصادی و اموال و ثروتهای جامعه است. از این دیدگاه، امنیت اقتصادی به امنیت داخلی و خارجی یا بین المللی قابل تقسیم است. اگر منافع و مصالح اقتصادی کشوری از سوی دیگر کشورها مورد تهدید قرار گیرد، آن کشور امنیت اقتصادی نخواهد داشت.



در این صورت، علت ناامنی خارجی است و استقلال اقتصادی یکی از عوامل تحقق امنیت اقتصادی خارجی یا بین‌المللی خواهد بود، این مهم وقتی حاصل می‌شود که کشور بتواند منافع اقتصادی خود را آن گونه که خود تشخیص می‌دهد، تعقیب کند.
همچنین حرکت و تلاش برای غلبه بر مشکلات که از جمله نتایج صبر است، سبب تقویت روحیه جهادی در سطح جامعه و در نتیجه افزایش بهره‌وری و تولید و رشد اقتصادی خواهد شد. برای دستیابی به رشد اقتصادی، افزایش تولید، ارتقاء سطح زندگی، افزایش اشتغال و بهبود شرایط اقتصادی، نیاز به برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، نوآوری و تلاش‌های مجاهدانه است. این فرایند ممکن است با دشواری‌ها و تنش‌هایی همراه باشد که نیازمند صبر و تلاش است. بنابراین از دیگر نتایج صبر تلاش مجاهدانه برای غلبه بر مشکلات و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی و پیشرفت خواهد بود.
بنابر آنچه بیان شد، صبر، بردباری و مقاومت از دو طریق سبب پیشرفت اقتصادی خواهد شد. از یک طرف صبر موجب افزایش تحمل فردی و اجتماعی در برابر تحریم و فشار اقتصادی دشمن و درنتیجه سبب حفظ هویت و ایجاد استقلال اقتصادی می‌شود.
از طرف دیگر صبر به معنای حرکت مجاهدانه برای غلبه بر مشکلات و آسیب‌ها است. این حرکت سبب بهبود شرایط اقتصادی و دستیابی به رشد اقتصادی و پیشرفت خواهد بود.

سازماندهی، تعاون و همیاری

استقلال اقتصادی نیز ازجمله عوامل تشکیل امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی نیز سبب افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی و در نتیجه افزایش تولید و در نهایت پیشرفت اقتصادی خواهد شد.

بدون تعادل در تمامی ابعاد جامعه نمی‌توان پیشرفت متوازن و پایدار داشت. پیشرفت به شکل یک سیستم نگریسته می‌شود. عناصر اصلی آن مردم، منابع و سرزمین هستند. ترکیب مطلوب این عناصر با مبنای مشارکت و در یک فضای مناسب جمعی به معنای دست یابی به پیشرفت خواهد بود. نگرش خطی به پدیده‌هایی با ماهیت سیستمی باعث بروز بی‌نظمی در جریان عمل پدیده‌های اجتماعی مانند پیشرفت می‌شود، که در نهایت سبب رشد تک بعدی و غیرپایدار خواهد شد.

یک جامعه به دلیل ماهیت سیستمی خود متشکل از اجزای مختلف ساختارها، کارکردها و فضایی است که در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند. این سیستم زمانی می تواند به بقای خود ادامه دهد که از تعادل لازم برخوردار باشد. یعنی هرکدام از اجزا و عناصر در جایگاه خود قرار گیرند و نقش و وظیفه خود را به درستی اجرا کنند.

برای رسیدن به الگوی مطلوب پیشرفت با استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه آن، مشارکت اکثریت مردم به عنوان عامل اصلی و محوری به شمار می‌رود. زیرا پیشرفت مفهومی است که برای تحقق آن در سطح جامعه نیاز به مشارکت و سازماندهی همه اقشار مردم و ایجاد یک دغدغه اجتماعی مشترک بین افراد است.

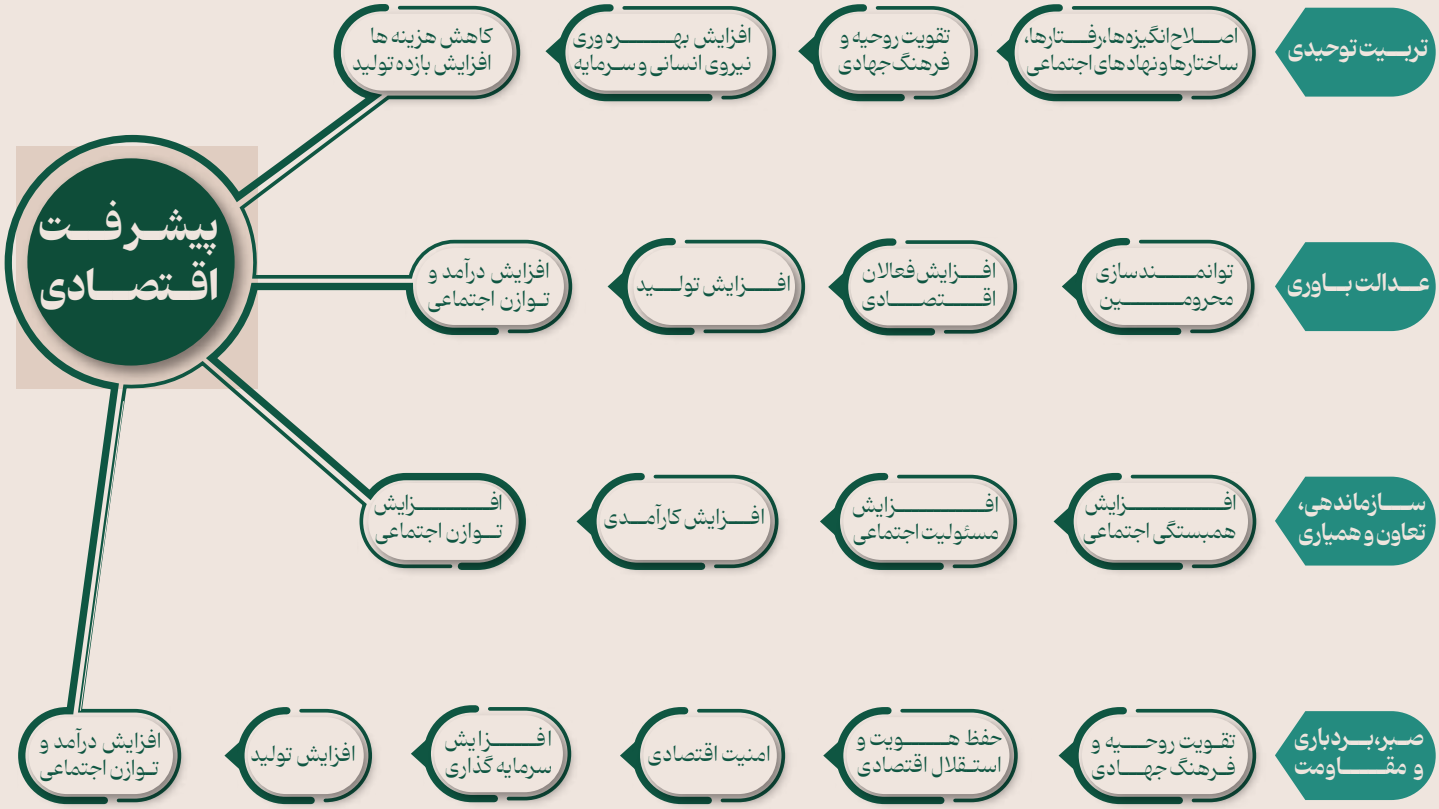
عناصر پیشرفت اگر به شکل یک مطالبه و خواست عمومی در بیاید، جامعه برای رسیدن به پیشرفت به حرکت در خواهد آمد. افراد در چنین جامعه‌ای با تعاون و همیاری یکدیگر به تعالی جامعه کمک خواهند کرد. بنابراین نقش تشکل‌هایی مانند مساجد و هیأت‌های حسینی که توان ایجاد انسجام و سازماندهی اجتماعی برای رسیدن به اهداف مشترک در بین افراد جامعه و در نتیجه شکل‌گیری گفتمان عمومی را دارند، حیاتی به شمار می‌رود. حرکت در مسیر توسعه و تحقق عدالت نیازمند خردجمعی، عزم ملّی و مشارکت و مطالبه عمومی است. به همین روی رهبر معظم انقلاب گفتمان عدالت و پیشرفت را به عنوان راهبرد اساسی حرکت جامعه قرار داده و از همه اقشار به ویژه نخبگان و دانشجویان مطالبه آن را می‌خواهد.

(رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۲/۳۱)



سازمان دهی، تعاون و همیاری در سطح جامعه موجب استفاده از تمام ظرفیت های مادی و انسانی دولتی و غیردولتی خواهد شد. در نتیجه سبب اتحاد ملت با رنگها، قومیت‌ها و قبیله‌های مختلف آن و انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود و سرمایه‌های معطل اقتصادی را به حداقل ممکن خواهد رساند. همبستگی اجتماعی زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان پیشرفت و انجام کارهای مشترک گروهی اقتصادی است. موفقیت آنها را تضمین می کند و جامعه را به سوی رشد و تعالی سوق می دهد و به شکل گیری حرکت‌های جهادی در جهت اصلاح امور اجتماعی و ازجمله اقتصادی کمک می‌کند. مسئولیت‌پذیری افراد جامعه را ارتقا می‌دهد و پایبندی و الزام نسبت به میهن و سرمایه کشور را می‌افزاید. زمانی که مسئولیت‌پذیری در میان افراد و گروه های جامعه گسترش پیدا کرد، کارآمدی در جهت رشد رونق اقتصادی، کارآمدی در جهت تامین عدالت و الزام نسبت به میهن و سرمایه کشور، اتحاد میان مردم و دولت را به همراه خواهد داشت. در نتیجه ایستادگی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، همیاری و تعاون در خیرات و تعاون در کسب سود و ثروت افزایش پیدا خواهد کرد. افزایش تعاون و افزایش مشارکت سبب گسترش سرمایه‌گذاری مردم در فعالیت‌های اقتصادی و توازن اجتماعی خواهد شد. تولید ثروت در کنار افزایش مسئولیت‌پذیری در سطح جامعه، سبب حرکت جامعه به سمت عدالت و پیشرفت اقتصادی خواهد شد.

باورهای جبهه فعالان اقتصاد مردمی



بخش چهارم:

ارزش‌هایی که اعضا به آن‌ها پایبند خواهند بود

براساس باورهای پیش‌گفته اعضای جبهه فعالان اقتصاد مردمی به ارزش‌های ذیل پایبند خواهند بود.

۱. با برادران و خواهران خود، پیوند اخوت و برادری داریم.

۲. برخورداری از فرصت‌های برابر شغلی مطلوب را حق عموم مردم می‌دانیم و از تمام ظرفیت خود برای افزایش اشتغال و تولید مردم‌پایه در سطح جامعه استفاده می‌کنیم.

۳. متعهد می‌شویم برای ارتقای کسب و کارهای برادران و خواهران خود از هیچ تلاشی فرو نگذاریم.

۴. ما کار را نوعی عبادت می‌دانیم و فعالیت اقتصادی خود را با روحیه جهادی انجام می‌دهیم.

۵. برای افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در فرآیند تولید تلاش می‌کنیم.

۶. برای انجام کارهای بزرگ اقتصادی، همدیگر را برای تشکیل تعاونی و فعالیت‌های مشارکتی تشویق و از یکدیگر دستگیری می‌کنیم.

۷. سرمایه‌های خود را برای افزایش تولید کشور به کار می‌گیریم.

۸. نهادهای خیریه عام المنفعه تأسیس می‌کنیم و آنها را گسترش می‌دهیم.

۹ در فعالیت‌های اقتصادی، منافع جامعه را بر منافع فردی ترجیح می‌دهیم.

۱۰ در داد و ستد، انصاف، شفافیت، صداقت و حسن خلق را رعایت می‌کنیم.

۱۱ در کسب و کار خود، احکام الهی را رعایت می‌کنیم.

۱۲ در همه حال، بر خدا توکل می‌کنیم و نسبت به کارگران عدالت را رعایت می‌کنیم.

۱۳ با ایجاد انحصار اقتصادی، ویژه‌خواری و فساد مبارزه می‌کنیم.

۱۴ با جهاد خودکفایی، در برابر تحریم اقتصادی ایستادگی و با نفوذ دشمن در تصمیم‌سازی اقتصادی مقابله می‌کنیم.

۱۵ تمام تلاش خود را برای تولید محصولی با بهترین کیفیت بکار می‌گیریم.

۱۶ مالکیت حقیقی را از آن خدا می‌دانیم و به مالکیت دیگران احترام می‌گذاریم.

۱۷ اعتلای شعائر الهی را وظیفه خود می‌دانیم.

۱۸ بازار سالم برای انجام تبادلات و تعاملات بین اعضا را ایجاد و تقویت می‌کنیم.

در این اثر مبانی، باورها و ارزش‌هایی که

جبهه فعالان اقتصاد مردمی

بر اساس آن شکل گرفته، بیان شده است.

«با اراده، سرمایه و حضور مردم، با همدیگر

برای تولید و پیشرفت اقتصادی کشور

مجاهدانه تلاش کنیم»